

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اکبر نوری  
۳۰ دسمبر ۲۰۱۹

## درون مایه اطلاعاتی مشترک ۶ جریان، در مورد قیام ستمدیدگان عراق!

جریان یافتن حرکت های انقلابی در کشورهای عراق و لبنان علیه گسترش بیکاری ، فقر ، گرانی ، سرکوب و خفقان که حاصل سلطه حکومت های وابسته به امپریالیسم در این کشورهاست، نیروهای سیاسی را به اتخاذ موضع در این مورد واداشته است. در همین رابطه در تاریخ ۲۰ آبان [عقرب] ۹۸، اطلاعیه ای مشترک با امضای اتحاد فدائیان کمونیست ، حزب کمونیست ایران ، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت، منتشر گردید. هدف از این نوشته کوتاه آن ست تا نشان دهد که در این اطلاعیه جریاناتی که ادعای مارکسیست - لنینیست بودن را دارند و خود را مدافعان طبقه کارگر نشان می دهند چطور در طوفان مبارزات خلق ها و در تند پیچ های تاریخی با انکار واقعیت نقش امپریالیسم در این کشورها موضع رفرمیستی - اپورتونیستی خود را جایگزین مواضع انقلابی می کنند و در جهت پیشبرد آن متوسل به توجیهات گوناگون می گردند. ابتداء لازم است برای درک زمینه های خشونت های وحشیانه دولت عراق و همچنین جسارت و مبارزه بی امان مردم عراق در مبارزه با سرکوبگرانشان ، به وضعیتی که پس از اشغال این کشور توسط امپریالیسم امریکا در سال ۲۰۰۳ به وجود آمد ، اشاره ای کوتاه بشود.

همان طور که می دانیم ، امپریالیسم امریکا در سال ۲۰۰۳ ، با فرستادن نیروهای مسلح خود به عراق توانست این کشور را به تصرف خود در بیاورد و دستگاه دولتی و ارتش دست نشانده خود را در آن جا مستقر نماید. اما بعد از چند سال از اشغال کشور عراق ، امریکائی ها مدعی شدند که از کشور عراق خارج شده اند ، اما واقعیت چیز دیگری را نشان می دهد. امروز جدا از پایگاه های نظامی امریکا در عراق ، هزاران مستشار امریکائی در عراق باقی مانده اند که دستگاه دولتی و ارتش آن را هدایت و کنترل می کنند. از طرفی دیگر به این نکته باید دقت شود که خلاف شعارهای بی محتوایی که طرفداران ولایت فقیه در ایران علیه امریکا سر می دهند ، بخشی از مسؤلیت حفاظت از دولت دست نشانده امریکا در عراق ، بر عهده جمهوری اسلامی گذاشته شده است. به همین منظور است که سپاه قدس و طرفداران جمهوری اسلامی ، به منظور کمک به دولت عراق ، به قصد کنترل و در بند نگه داشتن توده ها ، دم و دستگاهی در این کشور برای خود سازمان داده اند. در چنین شرایطی است که ما از یک طرف شاهد مردمی هستیم که برای سرنگونی دار و دسته حاکم به عراق که دولت دست نشانده امریکا می باشد ، به خیابان ها آمده اند و اعتراضات گسترده خود را با شعار خلق خواستار سرنگونی نظام حاکم هستند، نشان می دهند. از طرفی دیگر آن ها به دلیل

دخالتهای رژیمن ارتجاعی جمهوری اسلامی در عراق، سیاست های ارتجاعی رژیمن جمهوری اسلامی را در قبال دخالت در کشور عراق محکوم می کنند و نمادهای رژیمن ایران را به آتش می کشند و با نیروهای مزدور این رژیمن نظیر حشدالشعبی به نبردی خونین می پردازند.

حال اگر به اطلاعیه مشترک نیروهای مذکور باز گردیم، می بینیم که در سراسر این اطلاعیه مشترک در مورد دشمن اصلی خلق های عراق که همان امپریالیسم امریکا می باشد، سخنی گفته نشده است؛ و نه تنها این بلکه حتی در طول تمام این اطلاعیه کلمه ای از امپریالیسم به میان نیامده است. امضاء کنندگان این اطلاعیه خوب می دانند که نیروهای امریکا به چه دلیل به عراق حمله کرده اند. می دانند که این به خاطر وجود سلاح کیمیائی در نزد صدام نبود (که خودشان هم اعتراف کرده اند که چنان سلاحی در کار نبود). می دانند که امپریالیسم امریکا به خاطر حضور مستقیم نظامی در عراق و تسلط بر نفت و دیگر ثروت های این کشور به ضرر امپریالیست های روسیه و فرانسه به اشغال جنایتکارانه عراق دست زد و همه این سرزمین را تحت سلطه خود گرفت. بنابر این، باید از این جریانات پرسید، به چه دلیل است که در اطلاعیه مشترکشان از تجاوز امپریالیسم امریکا به عراق حرفی در میان نیست؟ آن هم در شرایطی که خود توده های انقلابی به طور آشکار ضدیت خود با دخالت ها و سیاست های امپریالیستی در کشور خود را بیان می کنند. باید پرسید کدام طبقات اجتماعی در عراق مورد حمایت و پشتیبانی شما قرار دارند و بر اساس کدام منافع طبقاتی چنین موضعی می گیرید؟

هیچ گونه شک و شبهه ای وجود ندارد که رژیمن سرمایه داری جمهوری اسلامی در جنایت ها و کشتارهای مردم عراق دستاوردش تا آستین به خون مردم عراق آغشته است، ولی این تنها جمهوری اسلامی نیست که چنین می کند بلکه دولت مرکزی دست نشانده امریکا هم توسط نیروهای مسلح خود به نفع حفظ سلطه امپریالیسم امریکا در عراق به جنایت علیه توده های تحت ستم عراق مشغول است. اما جریانات مذکور به این واقعیت اشاره ای هم نمی کنند و تنها در مورد جمهوری اسلامی می نویسند: "رژیمن جمهوری اسلامی ایران که با حمایت بی چون و چرای خود از دولت و احزاب اسلامی طرفدار رژیمن در عراق و سازماندهی میلیشهای حشدالشعبی یکپای اصلی بحران و فساد حکومتی و مسبب فقر و فلاکتی است که ... و یا در جایی دیگر چنین می نویسند: "... و از این طریق بیش از همه به تن زخمی توده های رنج کشیده عراق شلاق می زنند." آیا این صرفاً جمهوری اسلامی است که باعث فقر و فلاکت مردم عراق گشته و مهمتر از این، باید پرسید که سود حاصل از این جنایات و شلاق زدن به تن زخمی مردم عراق به جیب کدام نیروی ارتجاعی می رود؟ چرا اطلاعیه مشترک این شش جریان سیاسی، کوچکترین اشاره ای به امپریالیسم امریکا که در کشتار و تحت سلطه نگه داشتن کشور عراق به سود خود نقش اصلی را دارد، نمی کند؟

لنین در سه منبع و سه جزء مارکسیسم در صفحه ۲۷ منتخب آثار چنین می نویسد: "مادامی که افراد فرا نگیرند در پس هر یک از جملات اظهارات و وعده و وعیدهای اخلاقی، دینی، سیاسی و اجتماعی منافع طبقات مختلف را جست و جو کنند - در سیاست همواره قربانی سفیهانه فریب و خود فریبی بوده و خواهند بود. طرفداران رفرم و اصلاحات تا زمانی که پی نبرند که هر مؤسسه قدیمی هر اندازه هم بی ریخت و فاسد به نظر آید متکی به قوای طبقه ای از طبقات حکمفرماست، همواره از طرف مدافعان نظم قدیم تحمیل می گردند." در این جاست که باید تشخیص داد که نیروها، سازمان ها، احزاب و یا جریاناتی که سعی در کتمان و یا به فراموشی سپردن جنایات های امپریالیسم امریکا در عراق دارند، در کجا ایستاده اند.

واقعیت این است که ارتجاع و جنایت در نفس و ذات امپریالیسم نهفته است. فاشیسم و اردوگاه های مرگ، مولود امپریالیسم هستند؛ امپریالیسم هر جا قادر باشد به حقوق و آزادی های دموکراتیک حمله می برد و شایستگی انسان را

لگد مال می کند ؛ امپریالیسم نژاد پرستی می پروراند ؛ امپریالیسم در حال حاضر مسؤول محرومیت ها و مسبب مشکلات و مصائب صدها میلیون انسان است. امپریالیسم، عامل اصلی و به وجود آورنده وضعیت دهشتناک کنونی است که در آن توده های میلیونی در کشورهای آسیائی ، افریقائی ، امریکای لاتین و دیگر قاره ها مجبوراند در شرایط فقر ، بیماری ، بیسودی و یا در مناسبات اجتماعی که نشان از عهد عتیق دارند، زندگی کنند و به مرگ تدریجی و نابودی محکوم گردند. امروز در شرایطی که خلق ها برای پایان دادن به اعمال جنایتکارانه امپریالیسم که بلای جان بشریت است ، به پا خاسته اند، وظیفه طبقه کارگر و نیروهای دموکراتیک انقلابی و خلق هاست که باید متحد شوند و مبارزه راستین خود را علیه امپریالیسم جهانی در راه دموکراسی و سوسیالیسم به پیش ببرند. بنابر این، در چنین شرایطی، کتمان نقش ارتجاعی و جنایتکارانه امپریالیسم امریکا در عراق از طرف اطلاعیه شش جریان سیاسی نامبرده و عدم برخورد به امپریالیسم به طور کلی در آن اطلاعیه، امر قابل گذشت نمی باشد.

در ادامه این اطلاعیه مشترک به موردی دیگر از مواضع رفرمیستی این جریانات به اصطلاح مارکسیست - لنینیست خواهیم پرداخت تا عبث بودن ادعای آنان در دفاع از کارگران و زحمتکشان را نشان دهیم. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است: "در دنیای معاصر با بحران های ویژه اش ما شاهد برآیندهای توده ها هستیم که زیر فشارهای اقتصادی و اجتماعی در اشکال انفجاری رخ می دهد در چنین حالتی همه چیز در گرو آن ست که آیا ما خواهیم توانست به سازمانیابی خویش نایل شویم و در اسرع وقت خیابان را به محل کار و زندگی پیوند بزنیم یا نه؟ از اعتصاب به خیابان و از خیابان به اعتصاب عمومی قدرت مانور خود را گسترش دهیم یا نه؟" و اعتصاب عمومی و ایجاد کمیته ها و شوراهای محل کار و زیست را راه نجات کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده قلمداد می کند. اطلاعیه مشترک، این سخنان را در شرایطی مطرح کرده است که توده های به پا خاسته در عراق و لبنان خواستار از بین بردن نظام حاکم بر کشورشان می باشند و برای این منظور سینه های شان سپر گلوله های مزدوران مسلح قرار دارد. در این جا لازم است این رهنمود شش جریان را با آن چه لنین در شرایط مشابه مطرح کرده است ، مقایسه کنیم تا ببینیم که آیا این نیروها، انقلابی یا رفرمیست می باشند. در مقدمه کتاب (دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک) لنین چنین می نویسد: یقین است که ما هنوز باید برای تربیت و تشکل طبقه کارگر بسیار و بسیار کار کنیم. ولی اکنون تمام مطلب بر سر این است که مرکز ثقل عمده سیاسی این تربیت و این تشکل در کجا باید قرار گیرد؟ در اتحادیه ها و جمعیت های علنی و یا در قیام مسلحانه و در کار ایجاد یک ارتش انقلابی و حکومت انقلابی؟" پاسخ لنین شق دوم بود و وی در سراسر کتاب بر ضرورت تسلیح پرولتاریا و سازمان دادن مقاومت مسلحانه آن ها تأکید می کند. می بینیم که اگر لنین در شرایط به پا خاستن توده ها در فکر "ایجاد یک ارتش انقلابی و حکومت انقلابی" است و به همین خاطر بر ضرورت تسلیح توده ها تأکید می کند، این شش جریان درست همانند مخالفان لنین رفتار می کنند. یکی از جریاناتی که از امضاء کنندگان این اطلاعیه می باشد یعنی فدائیان خلق (اقلیت) همواره از اعتصاب عمومی و سپس قیام مسلحانه صحبت کرده بود. ولی حالا در دوران انقلابی که توده ها خود دست به قیام زده و هر جا می توانند مسلحانه با دشمنان خود مبارزه می کنند، ادامه سیاست های رفرمیستی اش بدانجا کشیده شده است که توده های انقلابی را صرفاً به ایجاد کمیته ها و شوراهای محلی و اعتصاب و تظاهرات خیابانی دعوت می کند.

این نیروهای به اصطلاح مارکسیست - لنینیست ، نیروهائی که به اسم چپ شناخته شده اند عملاً در گفتار و کردارشان همانند نیروهای شناخته شده راست مثلاً جناح دیگر "راه کارگر" یعنی سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) عمل می کنند. در این جا اگر نگاه بسیار کوتاه به اطلاعیه سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) در رابطه با خیزش های انقلابی اخیر مردم ایران داشته باشیم ، می بینیم در شرایطی که در تمام شهرهای ایران شعار مرگ بر جمهوری اسلامی

طنین افکنده است و توده ها با هزار زبان از ضرورت مسلح شدن سخن می گویند، چنین می نویسد: "اما مردم می توانند و می باید در حد ممکن با پرهیز از خشونت و با به کارگیری اشکال مسالمت آمیز مبارزه ، امکان حضور هر چه وسیع تر همگانی را فراهم نمایند". اگر این بخش از "راه کارگر" صراحتاً توده ها را از دست زدن به اعمال انقلابی باز می دارد، اطلاعیه ۶ جریان نیز همین کار را به صورت پوشیده انجام می دهد و به جای دعوت توده ها به سازماندهی مسلح خود، از آن ها می خواهد که صرفاً اعتصاب کنند و دست به تظاهرات خیابانی بزنند. در واقع اینان قلم خود را عمدتاً برای خاموش کردن مبارزات انقلابی توده ها و علیه نظرات انقلابی کمونیست های راستین به کار می برند.

به طور خلاصه ۶ جریان سیاسی با عنوان کمونیست و چپ، در سراسر اطلاعیه مشترک خود از برخورد به دشمن اصلی خلق های عراق یعنی امپریالیسم امریکا احتراز کرده اند. همچنین کوشیده اند که توده های قیام کننده عراق را به سوی مبارزات مسالمت آمیز بکشانند.

در خاتمه، با تجربه اندوزی از مبارزات موفق گذشته و در جهت رفع نقایص جنبش، روی رهنمود درست و منطبق با شرایط جامعه ایران باید تأکید کرد که عبارت از این است که کارگران و زحمتکشان پیشرو ایران ، امروز باید در اتحاد با روشنفکران صادق و کمونیست های راستین، خود را در تشکل های سیاسی و نظامی متشکل کنند تا بتوانند ادامه کاری مبارزاتی خود را تضمین کرده و با حرکت در جهت تسلیح توده ها، سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به سلطه امپریالیست ها و نابودی سرمایه داری در ایران را امکان پذیر سازند تا توده های تحت ستم ایران بتوانند به دموکراسی ، آزادی و سوسیالیسم دست یابند و به تاریخ پر از رنج و شکنجه مردم و هزاران هزار انسان انقلابی و کمونیست ، نقطه پایان گذاشته شود.

بر قرار باد اتحاد همه نیروهای انقلابی و خلق های سراسر جهان

زنده باد انقلاب، پیروز باد کمونیسم

آذر [قوس] ۱۳۹۸